

بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی

رسول ربانی (استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛ نویسنده مسؤول)

rarabani@ltr.ui.ac.ir

سیدصمد بهشتی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان)

چکیده

به دنبال عدم موفقیت سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی و بروز نارضایتی‌هایی در اجرای این سیاست‌ها، مباحث مربوط به رضایت از زندگی در بین اندیشمندان مختلف مطرح شد. به نظر ایشان عوامل مختلفی می‌توانند بر رضایت از زندگی افراد اثرگذار باشند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها وضعیت دینداری افراد و شرایط دینی و مذهبی جامعه می‌باشد. این مقاله با روش تحقیق اسنادی و با تحلیل ثانویه داده‌های آماری موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی با نمونه‌ای ۲۶۶۷ نفری در ایران به آزمون فرضیات پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد ضریب استاندارد اثرگذاری دینداری بر رضایت از زندگی ۰/۱۴ می‌باشد. بعلاوه این‌که ابعاد مختلف دینداری اثر یکسانی در میزان رضایت از زندگی ندارند به این صورت که اعتقاد به خدا و نیز مشارکت در مناسک جمعی دینی رضایت از زندگی بالاتری را برای فرد به همراه می‌آورند. همچنین نتایج گویای این امر است که شرایط مذهبی جامعه ایرانی محیط مناسبی را برای افزایش سطح رضایت از زندگی مومنان فراهم آورده است.

کلیدواژه‌ها: احساس شادمانی، رضایت از زندگی، دینداری.

مقدمه

رضایت از زندگی^۱ یکی از مباحث مشترک بین روانشناسان و جامعه‌شناسان می‌باشد. این دو گروه تلاش زیادی برای تشخیص عوامل موثر بر آن و نیز پیامدهای آن در زندگی فردی و جمعی انسان‌ها کرده‌اند. توجه به این مقوله با آشکار شدن ناکارآمدی سیاست‌های رشد و توسعه صرف آغاز شد چرا که بسیاری از اندیشمندان علت اصلی آن را بی تفاوتی این‌گونه

1 -Life satisfaction

سیاست‌ها به نیازهای اصلی انسان‌ها می‌دانند و برای رفع این مشکل شاخص‌هایی را برای توسعه مطرح نمودند که امروزه با عنوان شاخص توسعه انسانی^۱ شناخته می‌شود. این شاخص با این فرض شکل گرفته است که انسان‌ها موجوداتی تک بعدی نیستند و لزوماً پیشرفت اقتصادی جوامع منجر به بهروزی و رضایتمندی مردم نمی‌شود و همان‌گونه که تجربه نیز نشان داد سیاست‌های توسعه چه بسا فقر و نابرابری و نارضایتی را نیز تشدید نموده است.

رضایت از زندگی جدای از اثرات فردی پیامدهای اجتماعی مهمی به همراه دارد برای نمونه وجود چنین احساسی می‌تواند سلامت فرد و جامعه را تضمین نماید و با ایجاد امید و خوش‌بینی و از بین بردن احساس بی‌قدرتی و انزوا و بی‌اعتمادی در بین مردم فرآیند توسعه را تسریع نموده و با ایجاد احساس تعلق و تعهد اجتماعی بقای جامعه را تضمین نماید. وجود نارضایتی، با ایجاد بدبینی در افراد در طولانی مدت موجب انزوا و بی‌اعتمادی اجتماعی و از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی می‌شود و در صورت طولانی شدن چنین حالاتی می‌تواند نسل‌های بعد را نیز به عنوان قربانیان این واقعه در نظر گرفت. تحقیقات نشان داده است که اهمیت رضایت از زندگی بویژه در دوران نوجوانی به حدی است که بر اساس آن می‌توان میزان رفتارهای انحرافی افراد را در آینده و نیز قربانی انحرافات شدن ایشان را پیش‌بینی کرد (هارنین، ۲۰۰۷؛ والویس، ۲۰۰۸). به طور کلی رضایت از زندگی یک از عناصری است که می‌تواند زمینه را برای توسعه فراهم نماید.

براستی رضایت از زندگی چیست؟ چه عواملی در ایجاد آن دخالت دارند؟ وجود و یا عدم وجود آن چه پیامدهایی برای جامعه انسانی به همراه دارد؟ جایگاه دین و دینداری در رضایت از زندگی چگونه است؟ و روند اثر گذاری ابعاد مختلف دینداری بر رضایت از زندگی به چه صورت می‌باشد؟ اینها برخی سوالاتی است که انگیزه نویسندگان در تدوین این مقاله را تشکیل می‌دهد.

به طور کلی عوامل متعددی اعم از عوامل محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایجاد رضایت از زندگی موثر هستند و محققان جامعه‌شناس بر اساس مبانی فکری و

1 - Human Development Index (HDI)

نظری خود در آثار مختلف این عوامل را مورد بررسی قرار داده اند. دین و دینداری نیز یکی از عوامل موثر در رضایت از زندگی می باشد و بسیاری صاحب نظران در آثار خود به بررسی کم و کیف این عامل و ابعاد آن پرداخته اند. با بررسی آثاری که در خصوص رضایت از زندگی وجود دارد می بینیم که دین همواره به عنوان یکی از مهمترین عوامل در نظر گرفته شده است. این در حالیست که جامعه ایرانی به رغم داشتن حد بالایی از دینداری متأسفانه جایگاه چندانی مناسبی به لحاظ رضایت از زندگی در بین سایر کشورهای جهان ندارد. برای نمونه در موج چهارم پیمایش ارزشهای جهانی ایران از بین ۶۹ کشور رتبه ۱۶۱ام را با میانگین ۶۲.۵۹ از ۱۰۰ به خود اختصاص داده است (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۴۹). حال سوال اینجاست که با توجه به جایگاه رفیع دین در ایران، این فرآیند به چه صورت و از طریق چه مکانیسمی بر رضایت از زندگی افراد موثر بوده است؟

از این رو این پژوهش سعی دارد ضمن بررسی نظری ادبیات مربوط به رضایت از زندگی و با استناد به داده های موج پنجم پیمایش ارزش های جهانی^۱ و به کارگیری مدل معادله ساختاری^۲ رابطه میان دینداری و ابعاد آن را با رضایت از زندگی بررسی نماید.

واکاوی ادبیات موضوع

در آثار و ادبیات جامعه شناختی ایران نمی توان به سادگی تفاوتی بین برخی واژه ها نظیر احساس شادی^۳، نشاط، خوشبختی، رضایت^۴، سعادت مندی، بهروزی^۵، کیفیت زندگی^۶ قایل شد. بسیاری از جامعه شناسان به فراخور نیاز خویش این واژه ها را با معانی یکسان به کار برده و یا از زبان های دیگر ترجمه نموده اند. عمدتاً نویسندگان و مترجمان در ترجمه لغت happiness واژگان فوق را معادل سازی نموده اند و همین امر در اولین قدم تبیین مساله را

1 -World Value Survey (WVS)

2 -Structural Equation Modeling (SEM)

3 -Happiness

4 -Satisfaction

5 -Well-being

6 -Quality of life

با مشکل روبرو می‌سازد. البته این مشکل خاص متون فارسی نیست بلکه اندیشمندان غیرایرانی نیز به درستی فضای مفهومی این واژه را مشخص نموده‌اند.

برای بحث پیرامون رضایت از زندگی نخست لازم است فضای مفهومی این واژه را مشخص نماییم. با بررسی ادبیات مربوط به آن این چنین برداشت می‌شود که بیشترین قرابت معنایی بین این واژه با واژه شادی یا شادمانی وجود دارد هر چند که این دو هم معنی نیستند به این صورت که ضریب همبستگی بین این دو مفهوم در مطالعات پیمایش ارزش‌های جهانی تنها ۰/۴۴ گزارش شده است (بجورنسکو و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از ونهون، ۲۰۰۰). اگر به تعبیر برخی روانشناسان بین ابعاد عاطفی و شناختی رفتار انسان‌ها تفکیک قابل شویم می‌توانیم این‌گونه بیان نماییم که احساس شادی و نشاط در انسان‌ها دارای دو بعد ذیل است.

الف- بعد عاطفی: این بعد احساس خوشی و لذت مستقیم و بی واسطه را شامل می‌شود که چه بسا فرد دلیل خاصی هم برای آن ندارد. مهم‌ترین ویژگی این نوع احساس‌انی و گذرا بودن آن است. در این دسته جرمی بنتام^۱ معتقد است شادی حاصل جمع لذایذ و دردهاست که به تعادل عاطفی منجر می‌شود یا به عبارت دیگر شادی مبتنی است بر تعداد وقایع لذت بخش (آیزنیک، ۱۳۷۸: ۱۹). در تعریفی دیگر برادبورن^۲ شادی را میزان احساسات مثبت منهای احساسات منفی تعریف می‌کند. احساس مثبت یعنی خوشی، سرحالی، لذت بردن و احساسات منفی همانند ترس، اضطراب، اندوه، دلهره و نگرانی (عابدی، ۱۳۸۴: ۱۸). آرجیل و همکاران (۱۹۹۵) شادی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت و فقدان عاطفه منفی^۳ می‌دانند. موریس نیز با بر شمردن صفات احساسی، عاطفی و گذرا بودن شادی آنرا به عنوان یک مد تعبیر می‌کند (آت، ۲۰۰۵: ۳۴۶-۳۴۵). شادی و شادکامی اشاره به نوعی شادی سطحی دارد نظیر احساسی که فرضاً به هنگام پیروزی شدن در در یک مسابقه به ما دست می‌دهد (پتريک، ۱۳۸۱: ۲۰).

1 - J. Bentham

2 - Bradburn

3 - Negative affect

ب- بعد شناختی: در این بعد تعاریفی مطرح می شود که بر مبنای ارزش‌یابی و اندیشه کلی فرد استوار است. یعنی نوعی شادی و نشاط که ریشه دار و عمیق باشد و بر مبنای دلایلی در انسان شکل بگیرد که فرد برای وجودشان دلیل داشته و به آن‌ها آگاهی داشته باشد و مورد ارزیابی مثبت قرار دهد. پتریک این نوع شادی را معادل با رضایت از زندگی تعریف نموده و بیان می کند: رضایت و خرسندی^۱ معنای شادی عمیق و ریشه دار را می دهد. حالتی که لزوماً به احساس سرخوشی یا نشاطی خاص کاهش پذیر نباشد. یونانیان باستان آن را معادل *eudemonia* به معنی خوب بودن و خوب عمل کردن می گذارند (همان: ۲۰).

وینهوون (۲۰۰۰) آن را نتیجه فرآیند ارزش‌یابی کنکاشی و اندیشه ای می داند. ملاک شادی در این دیدگاه رضایت درونی فرد از کلیت زندگی خویش است و بالاترین حد شادی هنگامی ایجاد می شود که فرد در ارزیابی شناختی خود، از کلیت زندگی خویش راضی است. شادی عبارت است از درجه ای که در آن یک شخص در مورد کیفیت کلی زندگی اش به عنوان یک کلیت مطلوب قضاوت می کند (وینهوون، ۲۰۰۶: ۲۴-۲۲). داینر و همکاران (۱۹۹۹) با بیان مفهوم خوشبختی ذهنی^۲، رضایت از زندگی را به عنوان ارزیابی ذهنی فرد از کیفیت کلی زندگی خویش و یا برخی از جنبه های خاص زندگی اش تعریف کرده است. وی با طراحی پرسشنامه ای پنج گویه ای در مقیاسی هفت درجه ای رضایت فرد از زندگی خویش را می سنجد (گلزاری، ۱۳۸۹). برخی محققین نیز خوشبختی ذهنی را یک متغیر پنهان با حداقل دو مولفه می دانند: شادمانی و رضایت از زندگی. بر اساس این تفکیک مفهومی، شادمانی به بعد احساسی و رضایت از زندگی به بعد شناختی مفهوم خوشبختی ذهنی اشاره دارد (گوندلاچ^۳، ۲۰۰۴). شادمانی عمدتاً برای اشاره به احساسات آنی و هیجانی و یا خلق تعریف می شود در حالی که سوال پیرامون رضایت از زندگی ارزیابی کلی‌تر نسبت به زندگی و بهزیستی و خوشبختی را شامل می شود (هلیول، ۲۰۰۳؛ هلیول و پاتنام، ۲۰۰۶).

1 - Contentment

2 - Subjective Well-Being (SWB)

3 - Gundelach

در تمامی این تعاریف معیار رضایت از زندگی، ذهنیت فرد است. به این معنا که فرد به لحاظ ذهنی تا چه اندازه بین واقعیت زندگی و ایده آل هایش هماهنگی احساس می کند. چنان که کمبل رضایت از زندگی را بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی او می داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۴). تعریف مورد نظر نویسنده از رضایت از زندگی نیز مبتنی بر دیدگاه متاخر می باشد. به این معنا که رضایت از زندگی نوعی احساس شادی کلی و عمیق درونی است که ناشی از تجربه های فردی در جهان بیرون می باشد. به عبارت دیگر رضایت از زندگی منعکس کننده احساس و نظر کلی افراد یک جامعه نسبت به جهانی است که در آن زندگی می کنند.

پیشینه تجربی تحقیق

با بررسی تحقیقاتی که در زمینه رضایت از زندگی صورت گرفته است با عوامل متعددی روبرو می شویم که هر محقق با توجه به زاویه دید و علایق خویش به آنها پرداخته است. در ادامه به مرور اجمالی برخی تحقیقات که در این زمینه انجام شده است می پردازیم. در بسیاری از تحقیقات به بررسی تاثیر عوامل فردی نظیر سن، جنس، وضع تاهل، وراثت، سلامت، ضریب هوشی و ویژگی های شخصیتی پرداخته شده است. این نوع تحقیقات که بیشتر در کارهای روانشناسان دیده می شود نشان می دهد رابطه سن با رضایت از زندگی نوعی رابطه خطی نیست و شکل منحنی نرمال دارد به این صورت که از سنین نوجوانی (۲۲ سالگی) آغاز می شود و تا ۶۵ سالگی به اوج خود می رسد. ولی پس از آن با بازنشستگی و فشارهای مالی از یکسو و از سوی دیگر بروز بیماری های ناشی از فرسودگی تن و احساس نزدیکی با مرگ و برخی عوامل دیگر میزان رضایت افراد کاهش می یابد (مارکزک، ۲۰۰۵). همچنین یافته ها تفاوت معناداری را از رضایت از زندگی بین دو جنس نشان نمی دهند به این صورت که هرچند میزان رضایت مردان ثابت تر از زنان است ولی تغییر پذیری احساسات مثبت و منفی زنان در رضایت از زندگی به مراتب بیشتر است ولی در نهایت میزان رضایت از زندگی دو جنس برابر است (داینر و همکاران، ۱۹۹۹؛ فوجیتا و دیگران، ۱۹۹۱).

وضع تاهل نیز میزان رضایت از زندگی را تا حد زیادی بالا می برد به نحوی که نتایج تحقیقات نشان می دهند متاهلان رضایتمندی بیشتری از زندگی در مقایسه با مجردها و یا کسانی که به هر دلیلی از همسرشان جدا هستند، دارند (داینر و همکاران، ۱۹۹۱).

در خصوص تاثیر ضریب هوشی^۱ نیز نتایج تحقیقات نشان دهنده ارتباط منفی رضایت از زندگی با متوسط ضریب هوشی ملی است (بجورنسکو، ۲۰۰۵: ۲۸). وی با استناد به قول گووس^۲ «تنها وقتی نمی دانیم همه کاری می کنیم، با افزایش آگاهی شک و تردیدها زیاد می شود» استدلال می کند که بالا رفتن ضریب هوشی، افراد را از مخاطرات زندگی روزمره امروزی آگاه می کند و در نتیجه منجر به کاهش رضایت از زندگی افراد می شود (بجورنسکو، ۲۰۰۵: ۳۰).

برخی از تئوریها در تبیین رضایت از زندگی به تاثیر شرایط مادی و عینی پرداخته اند. بدون شک وضعیت خوب اقتصادی و به ویژه رضایت از وضعیت شغلی از مهم ترین عوامل در تبیین وضعیت رضایت از زندگی می باشند. ساده ترین شاهد بر این ادعا را می توان به جایگاه بالای کشورهایی که تولید ناخالص داخلی بالایی دارند در رضایت از زندگی شهروندان شان مطرح کرد، به این صورت که تحلیل اینگلهارت از یافته های ۲۴ کشور نشان داده است که بین تولید ناخالص داخلی و رضایت از زندگی همبستگی آماری ۰/۶۷ وجود دارد (اینگلهارت، ۲۰۰۷-۱۹۸۱). ولی مطالعات اسکینز^۳ نشان داده است شرایط عینی به خودی خود نقش تعیین کننده ای در سطح رضایت افراد ندارند (اسکینز، ۱۹۹۸: ۳). نکته قابل توجه در اینجا است که بالا رفتن سطح وضعیت اقتصادی یا درآمد تنها تا جایی خاص بر رضایت از زندگی موثر بوده و تاثیر نامحدودی ندارند. درآمد تاثیر اندکی در سطوح بالای رضایت از زندگی دارد ولی تا حد بسیار زیادی نارضایتی را کاهش می دهد (باوس و همکاران، ۲۰۰۸). دلیل این امر هم در نیاز انسان به رفع نیازهای اساسی اش می باشد و با بالا رفتن سطح امنیت اقتصادی بلافاصله نیازها و اهداف دیگری که عمدتاً غیر مادی هستند جای آنها را می گیرند.

1 -IQ

2 -Goethe

3 -Schyns

استرلین (۲۰۰۳) با ترکیب تئوریهای روانشناسانه و اقتصادی برای تبیین رضایت از زندگی تلاش نموده است. وی عامل رضایت در افراد را، میزان فاصله بین آرزوها و سطح دستیابی در هر کدام از حوزه های زندگی و همچنین اهمیت نسبی هر حوزه به لحاظ کارکرد مطلوبی که برای فرد دارد وابسته می داند.

عوامل جغرافیایی و محیطی نیز می توانند بر رضایت از زندگی تاثیر داشته باشند. چنانکه بچورنسکو^۱ با مطالعه ۳۷ کشور در این زمینه به این نتیجه رسیده است که تعادل و ملایمت آب و هوا رضایت از زندگی بیشتری را به همراه دارد و دلیل آن هم نبود فشارهای فیزیکی ناشی از گرما و سرمای شدید است. بویژه امروزه که تحت تاثیر رسانه ها مردم می توانند وضعیت خود را با دیگران در سراسر جهان مقایسه کنند (بچورنسکو، ۲۰۰۵: ۱۴).

نظریه های فرهنگی با تمرکز بر ویژگیهای فرهنگی افراد و جوامع به تبیین عوامل موثر در رضایت از زندگی و نیز تعیین فضای مفهومی این واژه پرداخته اند و عمدتاً در بیان آن به خصیصه فردگرایی/جمع گرایی تکیه می کنند. این نظریه پردازان معتقدند که توسعه اقتصادی، رضایت و خوشبختی ذهنی را بواسطه یک فضای فرهنگی که در آن افراد در پیگیری رضایت-شان فراتر از تعهدات و الزامات اجتماعی دست می زنند، افزایش می دهد. این تحول در راستای تحول فرهنگی جوامع از جمع گرایی به فرد گرایی و غلبه ارزش های فردی است. البته تاثیر فردگرایی بر میزان رضایت جوامع متفاوت است به این صورت که در کشورهای فقیر، فردگرایی باعث کاهش رضایت از زندگی افراد می شود حال آنکه در کشورهای ثروتمند عکس این قضیه صادق است.

در تایید این نظریه اسچیماک^۲ و همکارانش (۲۰۰۲) اقدام به انجام پیمایشی کردند تا به وسیله آن تاثیر فرهنگ را بر رضایت اجتماعی بسنجند. ایشان به این نتیجه رسیدند که فرهنگ متغیر مداخله گری است که از طریق آن عوامل شخصیتی بر رضایت از زندگی اثر می گذارند. ایشان جمعیت نمونه خود را از دو فرهنگ فردگرا (آمریکا و آلمان) و سه فرهنگ جمع گرا

1 -Bjornskov

2 -Schimmak

(ژاپن، مکزیک و غنا) انتخاب کردند و با استفاده از سنجه های برونگرایی و روان رنجوری میزان تعادل لذت^۱ و رضایت از زندگی اعضای نمونه را به دست آوردند. نتایج نشان داد که تاثیر شخصیت روی مولفه های احساسی و شناختی رضایت از زندگی به فرهنگ وابسته است. داینر و داینر (۱۹۹۵) نیز این ادعا را تایید می کنند به این صورت که ارزیابی از خود در فرهنگ های فردگرا روی رضایت از زندگی موثرتر است تا فرهنگ های جمع گرا، چرا که در آن ها داشتن دیدی مثبت از خود تعیین کننده است.

رویکردهای جامعه شناختی عمدتاً عوامل رضایت از زندگی را در تعاملات نظام جامعه ای و نظام شخصیت بررسی می کنند و با مفهوم سازی از ابعاد مختلف وجودی انسان، رضایت و خشنودی انسان ها را در حوزه های مختلف جستجو می کنند (چلبی، ۱۳۸۳: ۵۹). طبق این دیدگاه در صورتی که هر کدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی نیازهای فردی انسان ها باشد، می تواند رضایت از زندگی را برای ایشان فراهم نماید به این صورت که نظام اقتصادی با فراهم کردن نیازهای معیشتی افراد، سلامت و احساس آسایش مادی، نظام سیاسی با تامین نیاز امنیت و عدالت، نظام اجتماعی با برآورده نمودن حس اعتماد، هویت جمعی، ایجاد سرمایه اجتماعی، کاهش نابرابری ها و ایجاد تحرک اجتماعی و نهایتاً نظام فرهنگی با تامین حس عزت نفس و ایجاد هویت فردی می تواند رضایت و خشنودی افراد را به ارمغان بیاورد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۹). آنترامیان نشان می دهد ساخت خانواده نیز اثر مهمی بر رضایت از زندگی افراد و بویژه نوجوانان دارد به این صورت که نوجوانانی که در خانواده های تک سرپرست در اثر فوت و یا طلاق و یا خانواده های غیر صلبی زندگی می کنند رضایت کمتری دارند (آنترامیان و دیگران، ۲۰۰۸).

در بین متغیرهای فوق عوامل سیاسی نیز در افزایش سطح رضایت از زندگی موثر هستند به نحوی که مطالعات آن^۲ و ویدراز^۳ (۲۰۰۷) و اینگلهارت (۲۰۰۷-۱۹۸۱) گفته فوق را تایید می نماید. آن و ویدراز با انجام تحقیقی به این نتیجه رسیده اند که بین دموکراسی، میزان

1 - Hedonic balance

2 - Owen

3 - Videras

مشارکت سیاسی، میزان دسترسی به قدرت و قوه مجریه و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد. اینگلهارت نیز اهمیت رضایت از زندگی را در چارچوب مفهوم فرهنگ مدنی مورد توجه قرار می دهد. فرهنگ مدنی، شامل مجموعه شاخصهای رضایت از زندگی، اعتماد به یکدیگر، رضایت سیاسی و احساس خوشبختی در نظر گرفته شده و با تداوم نهاد دموکراتیک و سطح توسعه اقتصادی مرتبط است. وی با بیان اینکه سطح شادی در ۴۲ کشور از ۵۲ کشور مورد مطالعه افزایش یافته است عوامل متعددی را در آن دخیل می داند و معتقد است متغیر کلیدی در این افزایش، بالا رفتن سطح آزادی انتخاب در جوامع است. از نظر وی توسعه اقتصادی، دموکراتیزه شدن و افزایش تحمل اجتماعی باعث شده است افراد احساس کنند که آزادی بیشتری در انتخاب دارند (اینگلهارت ۲۰۰۷-۱۹۸۱).

چارچوب مفهومی و نظری

در کنار نتایج تحقیقات ذکر شده یکی از مهمترین عوامل موثر بر رضایت از زندگی وضعیت دین داری افراد می باشد. دین دارای چنان گستره ای در جوامع انسانی است که برخی از آن به عنوان فرانهاد یاد می کنند و معتقدند این نهاد سایر نهادهای اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار می دهد. از اینرو جامعه شناسان هیچگاه به این عامل بی تفاوت نبوده اند و پیرامون منشا و کارکردهای آن نظراتی داشته اند. در بین جامعه شناسان کلاسیک کنت با تاکید بر جهان بینی علمی و تلاش برای تاسیس دینی پوزیتیویستی، دورکیم با نوشتن کتاب صور بنیادی حیات دینی، وبر با نگارش کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری به اثرات دین در بین انسان ها صحنه گذاشته اند. چرا که دین با توجه به پیامدها و کارکردهایی که در سطح فردی و اجتماعی دارد همواره یکی از تعیین کننده ترین عوامل در شکل دهی و جهت دهی به جوامع انسانی بوده است. اما میزان اثر گذاری این عامل در اعصار و زمانهای مختلف تحت تاثیر سایر عوامل متفاوت بوده است، مثلاً با آغاز دوره رنسانس و تحولات ناشی از آن دین کلیسایی در اروپا به شدت جایگاه خود را از دست داد و دچار تغییراتی شد که در ادبیات

جامعه شناسی از آن تحت عنوان غیر دینی شدن^۱ یاد می شود. اما به زعم برخی از نظریه پردازان در حال حاضر این روند تغییر یافته است و دین توانسته است جایگاه قابل توجهی در حیات فردی و اجتماعی انسان ها به دست آورد.

بیشتر تحقیقات انجام شده پیرامون رابطه دین و رضایت از زندگی موید اثر مثبت و مستقیم مذهب بر رضایت از زندگی می باشد. برای مثال در مطالعه ای که روی ۱۰۰ اثری که پیرامون رابطه دین با رضایت از زندگی صورت گرفته است نتایج نشان می دهد در ۸۰ درصد موارد همبستگی مثبت وجود داشته است. در ۱۳ درصد نیز همبستگی بین این دو عامل دیده شده است و نهایتاً ۷ درصد مطالعات نیز نتایج ترکیبی و مختلط داشته اند و تنها در ۱ اثر رابطه منفی مشاهده شده است (کونینگ و دیگران، ۲۰۰۱: ۱۰۱).

آدام اوکالیس با مقایسه ۷۹ کشور در موج چهارم پیمایش ارزش های جهانی این نتیجه رسیده است که برخی ابعاد فردی دینداری مثل اعتقاد به خدا نه تنها ارتباط مثبت با رضایت از زندگی ندارند بلکه همبستگی منفی نیز دارند. برای مثال فرد دینداری که به استناد به عقاید مذهبی عامل بیماری یا گرفتاریها را کفاره گناهی می داند که در گذشته انجام داده رضایت از زندگی کمتری را تجربه می کند. در کل بین دینداری و رضایت از زندگی ارتباط مثبت وجود دارد و این نیز کاملاً وابسته به نوع جامعه ای است که فرد در آن زندگی می کند. برای مثال فرد دینداری که در یک جامعه غیر مذهبی زندگی می کند چندان رضایت از زندگی مناسبی ندارد و بر عکس متدین ها در جوامع دینی رضایت بیشتری از زندگی دارند (اوکالیس، ۲۰۰۹). دین اثرات متعددی در ابعاد اجتماعی و فردی دارد که تمامی آنها به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم می توانند بر رضایت از زندگی فرد اثرگذار باشند. برای مثال پیامدهای اجتماعی دینداری عبارتند از:

- مذهب می تواند در هماهنگی و تعامل اجتماعی نقش داشته باشد.
- از طریق ایجاد اصول اعتقادی و ارزش های مشترک یک هویت اجتماعی را تقویت کند.

• با ایجاد هماهنگی فکری و اعتقادی بین مردم ایشان را به یکدیگر نزدیک کرده و انسجام اجتماعی را افزایش دهد.

در سطح فردی نیز مهمترین کارکردهای مذهب را می توان چنین خلاصه کرد:

- دادن معنا و هدف به زندگی فرد
- ایجاد احساس آرامش در فرد
- ایجاد نظامی از ارزش های اخلاقی برای فرد
- تثبیت احساس تعلق فرد به جامعه
- تشکیل هویت فردی انسان

چنان که پیداست تمامی عوامل فوق بر رضایت از زندگی فرد اثر اثرگذار هستند ولی به طور کلی می توان گفت مذهب حداقل از سه طریق بر رضایت از زندگی فرد اثر می گذارد: اول اینکه مذهب احساس معنی دار بودن زندگی را به انسان می دهد و با طرد احساس پوچی و ایجاد آرامش درونی باعث امیدواری می شود. دوم اینکه اصول و احکام مذهبی یک سبک سالم برای زندگی پیشنهاد می کنند و سوم اینکه انسان ها با شرکت در مراسم های جمعی دینی هم از حمایت سایرین برخوردار می شوند و هم با برخورداری از خوش بینی و اعتماد نسبت به سایر مردم تحت تاثیر تعالیم دینی، به سرمایه اجتماعی خویش افزوده و رضایت مندی بیشتری کسب می شود. تمامی تحقیقات نشان می دهند که داشتن روابط اجتماعی و برخورداری از حمایت اطرافیان به ویژه شبکه ای از خانواده و دوستان به شدت بر رضایت از زندگی فرد موثر است (کاپتین و دیگران، ۲۰۰۹: ۱) و دین می تواند این مهم را برای افراد فراهم نماید.

مفهوم دین و دینداری مفهومی تک بعدی نیست و از ابعاد متفاوتی تشکیل شده است که هر کدام از این ابعاد می توانند به صورتهای مختلف و با میزان های متفاوت بر رضایتمندی افراد اثر بگذارند. بسیاری از جامعه شناسان سعی کرده اند ابعاد مختلف دینداری را تبیین کنند. در این میان معروفترین دسته بندی متعلق به گلاک و استارک^۱ می باشد. ایشان معتقدند که

1 - Glock & Stark

علیرغم تفاوت‌هایی در بین ادیان مختلف می‌توان اصولی ثابت برای آنها در نظر گرفت که عبارتند از:

- بُعد اعتقادی و ایدئولوژیکی^۱؛ همچون اعتقاد به وجود خدا، بهشت و جهنم، نبوت، (عدالت و امامت در بین شیعیان)، قرآن و...
 - بُعد مناسکی^۲؛ مناسک و رفتارهای دینی را می‌توان در دو بُعد فردی و جمعی در نظر گرفت: مناسک فردی همچون نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن و...، مناسک جمعی همچون نماز جماعت و جمعه، شرکت در مراسم دینی و...
 - بُعد عاطفی و تجربی^۳؛ احساس حضور خدا در کارهای روزانه، ترس از گناه، توبه، خوابهای دینی، احساس آرامش و...
 - بُعد آگاهی و دانشی^۴؛ منظور اطلاعات دینی است همچون دانستن تعداد سوره های قرآن، تاریخ زندگی پیامبر و ائمه، رویدادهای مهم دینی و احکام^۵.
 - بُعد پیامدی^۶؛ نگرش افراد به مواردی همچون بی‌حجابی، مصرف مشروبات الکلی، غیبت کردن، همجنس‌گرایی، سقط جنین و... در جامعه.
- با توجه به تاثیر بسیار زیاد روابط اجتماعی در رضایت از زندگی می‌توان تقسیم‌بندی دیگری از ابعاد دینداری مطرح کرد و آن هم عبارت است:
- بعد فردی دینداری^۷ که ناظر به اعتقادات فرد مثل اعتقاد به خدا، مرگ، روح، معاد می‌باشد.
- بعد اجتماعی دینداری^۸ که ناظر به ابعادی می‌باشد که در اثر تعامل با سایر هم‌کیشان شکل می‌گیرد مثل حضور در مساجد، نماز جماعت و

1 - Belief Dimension

2 - Ritualistic Dimension

3 - Experimental Dimension

4 - Knowledge Dimension

۵- با توجه به عدم وجود گویه در این زمینه، بعد مذکور در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته است.

6 - Consequential Dimension

7 - individual religiosity

8 - social religiosity

با توجه به ادبیات موضوع و داده های قابل دسترس در این تحقیق، برای بررسی رابطه دینداری و رضایت از زندگی فرضیه های ذیل مورد آزمون قرار می گیرند.

فرضیه های تحقیق

نخستین فرضیه این تحقیق وجود رابطه معنا دار و مثبت بین دینداری و رضایت از زندگی می باشد. از آنجا که طبق اعتقادات ما مسلمانان یاد خدا آرامش دهنده قلب هاست^۱ و آرامش در زندگی یکی از مهم ترین مولفه های رضایت از زندگی است پس باید بر خلاف یافته های اوکالیس رابطه ای مثبت بین اعتقاد به خدا و رضایت از زندگی وجود داشته باشد (فرضیه دوم). به نظر می رسد ابعادی از دینداری که مبنایی جمعی دارند بر میزان رضایت از زندگی موثر تر باشند تا ابعاد فردی (فرضیه سوم). همچنین با توجه به تاثیر شرایط اجتماعی در میزان رضایتمندی مومنین به نظر می رسد شیعیان در ایران باید رضایت از زندگی بیشتری را نسبت به سایر فرقه های مذهبی و ادیان تجربه کنند (فرضیه چهارم).

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله اسنادی می باشد و تلاش بر آن است تا با تحلیل ثانویه داده های آماری به آزمون فرضیات پرداخته شود. محور اصلی تحلیل را داده های موج پنجم پیمایش ارزش های جهانی در ایران تشکیل می دهد که با نمونه ای ۲۶۶۷ نفری بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ گردآوری شده است. نمونه آماری این پیمایش از زنان و مردانی تشکیل شده است که بین سنین ۱۶ تا ۹۰ سال قرار داشته اند.

در این مقاله فرضیه کلی تحقیق با استفاده از مدل معادله ساختاری^۲ و با استفاده از نرم افزار Amos آزمون شده است و سایر فرضیه ها با استفاده از آزمونهای آماری استنباطی و مقایسه میانگینهای ساختمند^۳ مورد بررسی قرار گرفته اند. دلیل به کار گیری مدل معادله ساختاری و مقایسه میانگینهای ساختمند این است که در آزمونهای آماری متداول متغیرهای تحقیق به

۱- الا بذکرالله تطمئن القلوب (قرآن کریم سوره رعد آیه ۲۸)

2- Structural Equation Modeling

3 -Structured Means

عنوان متغیر آشکار در نظر گرفته می شوند حال آنکه عمده متغیرهایی که در علوم اجتماعی اندازه گیری می شوند (نظیر دینداری و رضایت از زندگی در این تحقیق) از نوع متغیرهای پنهان هستند و وجود خطا در اندازه گیری آنها اجتناب ناپذیر است. با استفاده از مدل معادله ساختاری میزان خطا در برآوردها نیز محاسبه می شود و بر همین اساس می توانیم نسبت به یافته های تحقیق اطمینان بیشتری داشته باشیم.

بر اساس داده های گرد آوری شده می توان وضعیت کلی رضایت از زندگی نمونه تحقیق را به صورت جدول نمایش داد.

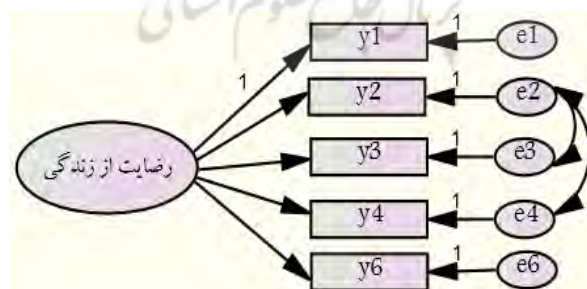
جدول ۱- فراوانی میزان رضایت از زندگی نمونه تحقیق

رضایت از زندگی	فراوانی	فراوانی نسبی	درصد معتبر	فراوانی جمععی
خیلی کم	۱۸	۰.۷	۰.۷	۰.۷
کم	۱۵۴	۵.۸	۵.۸	۶.۵
متوسط	۸۴۵	۳۱.۷	۳۱.۸	۳۸.۳
زیاد	۱۲۵۵	۴۷.۱	۴۷.۳	۸۵.۶
خیلی زیاد	۳۸۴	۱۴.۳	۱۴.۴	۱۰۰
داده های مفقود	۱۳	۰.۵		
جمع کل	۲۶۶۷	۱۰۰	۱۰۰	

متغیرهای تحقیق

در این تحقیق متغیر وابسته رضایت از زندگی می باشد که با استفاده از ادبیات نظری این موضوع، مدل اندازه گیری آن به صورت شکل ۱ تدوین شده است.

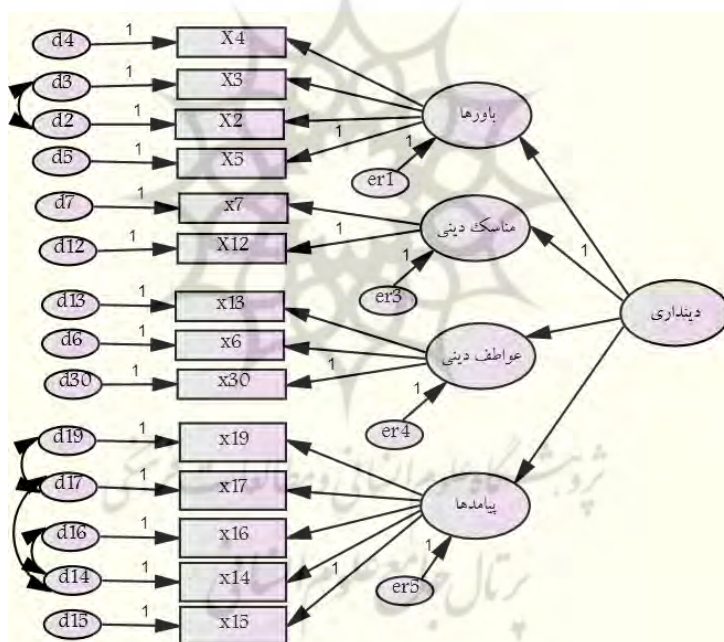
شکل ۱- مدل پنج عاملی مرتبه اول برای سنجش میزان رضایت از زندگی



خروجی برنامه ایموس شاخصهای برازش مدل را به این صورت گزارش داده است: کای اسکوئر نسبی یا نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی ($CMIN/DF= ۳/۰۱$)، شاخص های برازش تطبیقی بالای $۰/۹۹$ و شاخص های مقتصد بالای $۰/۴۶$ و نیز شاخص RMSEA با مقدار $۰/۰۲۷$ و PCLOSE به میزان $۰/۹۵۹$. بنابراین می توان نتیجه گرفت مدل تدوین شده تا حد بسیار زیادی قابل قبول می باشد.

متغیر مستقل وضعیت دینداری افراد می باشد که به تفکیک ابعاد مختلف آن با استفاده از مدل عاملی مرتبه دوم به صورت شکل ۲ برآورد شده است.

شکل ۲- مدل پنج عاملی مرتبه دوم برای سنجش میزان دینداری



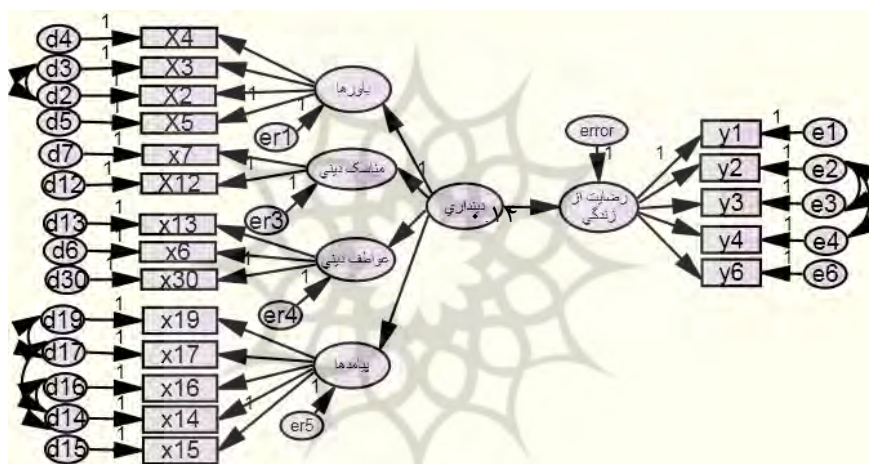
شاخص های برازش مدل نشان می دهند که مدل تدوین شده تا حد زیادی قابل قبول است به این صورت که با اصلاحاتی که در مدل صورت گرفته است کای اسکوئر نسبی یا نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی ($CMIN/DF= ۳.۴۶۷$)، شاخص های برازش تطبیقی بالای ۰.۹۸

و شاخص های مقتصد بالای ۰.۷۵ و نیز شاخص RMSEA با مقدار ۰.۰۳۰ نشان دهنده این است که مدل تدوین شده تا حد بسیار زیادی قابل قبول می باشد.

آزمون فرضیه ها

برای آزمون فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه مثبت بین دینداری و رضایت از زندگی به صورت زیر از مدل سازی معادله ساختاری استفاده شده است!

شکل ۳- مدل معادله ساختاری تبیین رضایت از زندگی



CMIN= 418/746 DF= 141 P= 0/000 CMIN/DF= 2/97 TLI=0/983
CFI=0/986 PNFI=0/807 PCFI=0/813 RMSEA=0/027

میزان کای اسکوئر نسبی یا نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (CMIN/DF=۲/۷۳)، شاخص های برازش تطبیقی بالای ۰/۹۸ و شاخص های مقتصد بالای ۰.۸۰ و نیز شاخص RMSEA با مقدار ۰/۰۲۷ نشان دهنده قابل قبول بودن مدل تدوین شده می باشد.

میزان بتا به مقدار ۰/۱۴ نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر است و می توان استدلال نمود که میزان استاندارد اثر گذاری متغیر دینداری بر رضایت از زندگی ۰/۱۴ می باشد. به این صورت فرضیه اول پذیرفته می شود.

فرضیه دوم: رابطه ای مثبت بین بعد اعتقادی دینداری و رضایت از زندگی وجود دارد. این فرضیه نیز با اطمینان ۰/۹۹ تایید می گردد. میزان تبیین واریانس رضایت از زندگی توسط اعتقادات فردی (میزان بتا) به صورت کلی ۰/۷ می باشد که نشان دهنده سهم بسیار پایین این بعد در تبیین رضایت از زندگی است. اگر ابعاد اعتقادی را به اجزایش تفکیک کرده و رابطه بین آنها و رضایت از زندگی را بسنجیم می بینیم که به لحاظ آماری بین اعتقاد به معاد، روح و وجود بهشت با رضایت از زندگی رابطه ای معنا دار وجود ندارد ولی بین اعتقاد به خدا، وجود جهنم و میزان اهمیت خدا در زندگی فرد با رضایت از زندگی در سطح معناداری ۰/۰۱ رابطه وجود دارد. جدول زیر نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای فوق را نمایش می دهد:

جدول ۲- تحلیل رگرسیونی اثرات بعد اعتقادی دینداری و رضایت از زندگی

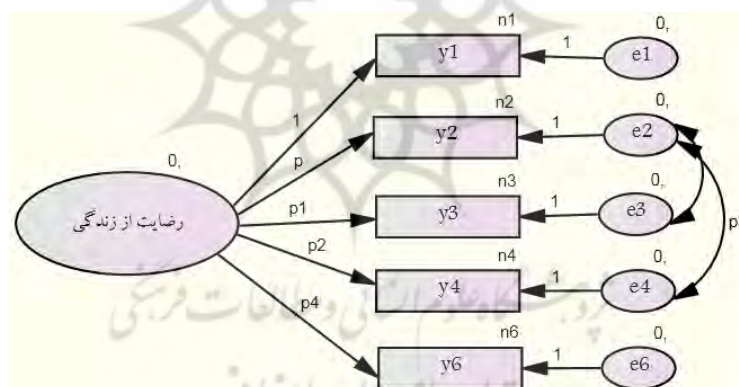
مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد		T مقدار	سطح معناداری
		B مقدار	خطای استاندارد		
1	مقدار ثابت	۲۱/۷۰۱	۲/۱۳۳	۱۰/۱۷۵	۰/۰۰۰
	اعتقاد به خدا	۶/۹۹۰	۲/۱۷۱	۳/۲۱۹	۰/۰۰۱
	اعتقاد به زندگی پس از مرگ	۰/۸۲۷	۰/۸۷۹	۰/۹۴۰	۰/۳۴۷
	اعتقاد به وجود روح	-۱/۲۷۲	۱/۰۲۳	-۱/۲۴۳	۰/۲۱۴
	اعتقاد به وجود جهنم	۳/۶۲۲	۱/۳۶۵	۲/۶۵۳	۰/۰۰۸
	اعتقاد به وجود بهشت	-۱/۴۶۳	۱/۴۵۷	-۱/۰۰۴	۰/۳۱۵
	میزان اهمیت خدا در زندگی فرد	۰/۲۵۲	۰/۰۷۶	۳/۳۰۰	۰/۰۰۱

یافته های جدول نشان دهنده تاثیر مثبت اعتقاد به خدا و اهمیت خدا در زندگی فردی در رضایت از زندگی افراد است. می توان استدلال نمود در بین اصول دین و ابعاد اعتقادی، بعد توحید بیشترین اثر را بر رضایت از زندگی دارد.

برای آزمون فرضیه های سوم، چهارم و پنجم از روش مقایسه میانگین های ساختمند استفاده شده است. در این روش نخستین شرط، معادل نمودن مدل های اندازه گیری^۱ است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۵۴). به این معنا که هم باید مدل های اندازه گیری و هم وزنه های رگرسیونی متغیرهای آشکار بر پنهان در هر دو گروه یکسان باشد. پس از اطمینان از معادل بودن مدلها به منظور کسب نتایج دقیق تر پارامترهایی که در هر دو گروه تفاوت معنا داری نداشتند با برچسب (p-5) قید برابری زده شدند. در نهایت مدل زیر برای مقایسه میانگین ها و آزمون فرضیه ها در نظر گرفته شد.

شکل ۴- مدل اندازه گیری متغیر پنهان رضایت از زندگی برای مقایسه میانگین گروه ها بر حسب

متغیرهای مختلف



فرضیه سوم نیز با توجه به داده های جدول تایید می شود به این صورت که مشارکت در مناسک اجتماعی مذهبی می تواند سطح بالاتری از رضایت از زندگی را به ارمغان بیاورد به این صورت که با مرجع قرار دادن عدم حضور فرد در مسجد می بینیم که اختلاف میانگین رضایت از زندگی بین دو گروهی که در مساجد حضور می یابند و یا حضور نمی یابند به میزان ۰/۲۱۴ از

صفر اختلاف پیدا می کند و این امر به این معناست که با اطمینان ۰/۹۵ کسانی که در بعد اجتماعی دینداری فعالترند (حضور بیشتری در مناسک جمعی دینی دارند) رضایت بیشتری از زندگی دارند.

جدول شماره ۳- مقایسه میانگین رضایت از زندگی بر حسب حضور در مساجد

	Estimate	.S.E	.C.R	P
رضایت از زندگی	۰/۲۱۴	۰/۱۰۶	۲/۰۱۷	۰/۰۴۴

اثبات این فرضیه موید این مطلب است که با حضور فرد در مناسک جمعی دینی و با حضور در مساجد فرد می تواند شبکه روابط اجتماعی خود را توسعه دهد و با برخورداری از سرمایه اجتماعی زیادتر رضایت بیشتری از زندگی کسب نماید.

فرضیه چهارم: با توجه به تاثیر شرایط اجتماعی در میزان رضایتمندی مومنین به نظر می رسد با توجه به رسمیت مذهب تشیع در ایران شیعیان باید رضایت از زندگی بیشتری را نسبت به سایر فرق مذهبی و ادیان تجربه کنند.

مقایسه میانگینهای رضایت از زندگی دو گروه شیعه و سنی موید فرضیه فوق می باشد*. به این صورت که با مرجع قرار دادن فرقه مذهبی اهل سنت و قراردادن میانگین رضایت از زندگی این گروه با صفر، مشاهده شد که در فاصله اطمینان ۰/۹۹ درصد بین رضایت از زندگی این دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و شیعیان با مقدار تفاوت ۰/۷۹۶ از صفر رضایت از زندگی بیشتری را نسبت به اهل سنت تجربه می کنند. جدول ۴ گویای نتایج فوق می باشد.

جدول ۴-مقایسه میانگین رضایت از زندگی بر حسب فرقه مذهبی

	Estimate	.S.E	.C.R	P
رضایت از زندگی	۰/۷۹۶	۰/۱۶۷	۴/۷۵۴	۰/۰۰۰

* به دلیل تعداد کم جمعیت نمونه سایر ادیان و فرق دینی در این پیمایش، برنامه ایموس قادر به انجام محاسبات نبود به همین دلیل تنها دو فرقه شیعه و سنی مورد مقایسه قرار گرفتند. تعداد نمونه سایر گروه ها عبارتند از: بهایی ۸ نفر، زرتشت ۷ نفر و مسیحی ۴ نفر.

بحث و نتیجه گیری

رضایت از زندگی مقوله ای اساسی در مباحث امروزی توسعه می باشد و کشورهای توانسته اند به این مهم دست یابند که در کنار رشد اقتصادی قابلیت‌ها و خواست‌های شهروندان و ابعاد انسانی ایشان را در نظر بگیرند. در این میان دینداری و توجه به ابعاد آن در کنار بسیاری از عوامل دیگر می تواند در احساس رضایت از زندگی افراد موثر باشد. چنان‌که نتایج بسیاری از تحقیقات در اقصا نقاط جهان گویای این رابطه می باشد. با توج به صبغه دینی جامعه ایرانی این عامل در کنار سایر عوامل در ایران موقعیتی ممتاز می یابد و بررسی جایگاه دین در رضایت از زندگی افراد را مهمتر جلوه می دهد.

یافته های این تحقیق که با استفاده از داده های موج پنجم مطالعه ارزشهای جهانی به دست آمده است نشان می دهد که بین دینداری و رضایت از زندگی به طور کلی رابطه ای مثبت وجود دارد و متغیر مستقل دینداری ضریب استاندارد اثری معادل ۰/۱۴ بر متغیر وابسته رضایت از زندگی دارد.

اما ابعاد مختلف دینداری اثرات متفاوتی را روی رضایت از زندگی ایجاد می کنند برای مثال بر اساس آزمون فرضیات تحقیق در بعد اصول دین و ابعاد اعتقادی، بعد توحیدی و یا اعتقاد به وجود خدا بیشترین اثر را در رضایت افراد از زندگیشان دارد. همچنین حضور در مناسک جمعی دینداری و به ویژه حضور در مساجد بر میزان رضایت از زندگی اثری مثبت دارد. به علاوه این نتیجه حاصل شد که شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران به لحاظ دینی بودن شرایط مناسبی را جهت احساس رضایت از زندگی بیشتر مردم مسلمان و به ویژه شیعیان فراهم نموده است و این یافته موید تحقیقات دیگری است که در آنها بیان می شود زندگی مومنان در محیط‌های اجتماعی غیر دینی باعث کاهش احساس رضایت از زندگی ایشان می‌شود. در همین زمینه یافته ها نشان می دهد که به واسطه شیعی بودن حکومت، کسانی که پیرو مذهب تشیع هستند احساس رضایت از زندگی بالاتری را نسبت به اهل تسنن تجربه می کنند.

پیوست

متغیرهای استفاده شده در تحقیق

متغیر پنهان	توضیح متغیر پنهان	متغیر آشکار	توضیح متغیر آشکار	متغیر خطا
XI	Religiousness دینداری	_____	_____	_____
			متغیر پنهان بیرونی دینداری فرد	
XI1	Belief باورها	Delta2	اعتقاد فرد به زندگی پس از مرگ	X2
		Delta3	اعتقاد فرد به روح	X3
		Delta4	اعتقاد فرد به وجود جهنم	X4
		Delta5	اعتقاد فرد به وجود بهشت	X5
XI3	Ritualistic مناسک دینی	Delta12	نماز خواندن	X12
		Delta7	حضور در مساجد	X7
XI4	Experimental عواطف دینی	Delta6	احساس آرامش فرد	X6
		Delta30	احساس مذهبی بودن	X30
		Delta13	عبادت کردن خداوند	X13
XI5	Consequential پیامدها	Delta14	توجه پذیری رشوه گرفتن	X14
		Delta15	توجه پذیری روسپیگری	X15
		Delta16	توجه پذیری همجنس گرایی	X16
		Delta17	توجه پذیری خودکشی	X17
		Delta20	توجه پذیری سقط جنین	X19
YI	Life satisfaction رضایت از زندگی	e1	میزان رضایت از زندگی	Y1
		e2	میزان احساس شادی	Y2
		e3	میزان احساس سلامتی	Y3
		e4	میزان آزادی انتخاب و کنترل امور	Y4
		e6	میزان رضایت از وضعیت مالی	Y6
				er1, er2, er3, er4, er5
				خطای تبیین

(اپسیلون) متغیرهای خطای پنهان در برآورد متغیرهای پنهان درونی

error

خطای تبیین

فهرست منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- پتربیک، فیتز (۱۳۸۱)، نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟ ترجمه هرمز همایون پور، تهران: موسسه علمی پژوهش
تامین اجتماعی
- چلبی، مسعود و موسوی، سید محسن (۱۳۸۷)، بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و
کلان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳) چارچوب مفهومی پیمایش ارزشهای ایرانیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- عابدی، محمدرضا و مرادی، مریم (۱۳۸۴) شادمانی و شخصیت: بررسی مروری، تازه های علوم شناختی، سال ۷،
شماره ۳
- قاسمی، وحید (۱۳۸۸) مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics
تهران: نشر جامعه شناسان
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر کویر
- گلزاری، محمد (۱۳۸۹). احساس رضایت از زندگی، توهم خودفریبی یا تلقین، قابل دسترس در
www.khabaronline.ir/news-73238
- Antaramian , Susan P.; Huebner, Scott E.; Valois Robert (2008). Adolescent Life Satisfaction: APPLIED PSYCHOLOGY: AN INTERNATIONAL REVIEW, 57, 112–126
- Argyle, M., Martin, M., & Lu, L. (1995). Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. In C. D. Spilberger & I. Sarason (Eds.), *Stress and emotion* (pp. 173-187). Washington: Taylor
- Bjørnskov, Christian; Axel Dreher; Justina A.V. Fischer, Cross-Country Determinants of Life Satisfaction: Exploring Different Determinants across Groups in Society October 2005 Discussion paper no. 2005-19
- Daniel K. Mroczek , Change in Life Satisfaction During Adulthood: Findings from the Veterans Affairs Normative Aging Study, *Journal of Personality and Social Psychology* , 2005, Vol. 88, No. 1, 189–202
- Diener, E., & Diener, M. (1995). Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 653–663.
- Diener, E., Suh, E.M., Lucas, R.E., & Smith, H.L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin* 125, 276–302.
- Esterlin , Richard A (2003). Explaining happiness, proceeding of the National Academy of Sciences, Department of Economics, University of Southern California, vol, 100, No 19, pp, 11176-11183.

- Fujita, F., Diener, E., & Sandvic, E. (1991). Gender differences in negative affect and well-being: The case for emotional intensity. *Journal of Personality & Social Psychology*, 61(3), 427-434.
- Gundelach, Peter & Mayar & Kreiner, Soven (2004) Happiness and life satisfaction in advanced European countries, cross-cultural Research, vol 38 No, 4 November: 359-386.
- Haranin, E., Huebner, E.S., & Suldo, S.M. (2007). Predictive and incremental validity of global and domain-based adolescent life satisfaction reports. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 25, 127-138.
- Helliwell, John (2003). "How's Life? Combining Individual and National Variables to Explain Subjective Well-Being." *Economic Modelling* 20.
- Helliwell, John and Robert D. Putnam (2006). "The Social Context of Well-Being", Typescript.
- Inglehart, Ronald; Foa, Roberto; Peterson, Christopher and Welzel, Christian: Development, Freedom, and Rising Happiness, A Global Perspective (1981-2007)
- Kapteyn, Arie & Smith P. James & Arthur van Soest (2009); Life Satisfaction. Discussion Paper No. 4015.
- Koenig, H. G., M. E. McCullough, and D. B. Larson (2001). *Handbook of Religion and Health*, Oxford University Press.
- Ott, J. (2005), "book reviews: neuroscience of happiness", *Journal of Happiness Studies*, no. 6.
- Okulicz-Kozaryn, Adam (۲۰۰۹). *Religiosity and Life Satisfaction (A Multilevel Investigation Across Nations)*
- Owen, L. Ann & Videras, Julio (2007). *Democracy, Participation, and Life Satisfaction*. Hamilton College, Christina Willemsen
- Schimmack, Ulrich and others (2002). Culture, Personality, and Subjective Well-Being: Integrating Process Models of Life Satisfaction, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 82, No. 4, 582-593
- Schyns, Peggy (1998) Cross National Differences in Happiness: Economic And cultural Factors Explored, *Social Indicator Research*, 43: 3-26.
- Valois, Robert F. Adolescent Life Satisfaction (2008), *APPLIED PSYCHOLOGY: AN INTERNATIONAL REVIEW*, 57, 112-126
- Stefan Boes, Rainer Winkelmann (2008), The Effect of Income on General Life Satisfaction and Dissatisfaction.
- Veenhoven, R. (2000), "The Four Quality of Life", *Journal of Happiness Studies* No. 1.
- (2006), New direction in the Study of Happiness, October 2006, available at www.veenhoven.fsw.eur.nl.
- World value survey data (2005), Available at: www.Worldvaluessurvey.org